

شهر زنان

کریستین دوپیران

ترجمه نوشین شاهنده



انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
Roshangaran
& Women Studies Publishing



قصیده سورا

شهر زنان
کریستین دوپیزان
ترجمه نوشتین شاهنده

ویراستار: افسانه نجانی
نظارت فنی: نفی سیف
آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: انتشارات قصیده‌سرا
چاپ اول: ۱۳۸۵
چاپ: سحاب
تعداد: ۱۵۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.
۴۸۰۰ تومان



انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
Roshangaran
& Women Studies Publishing



قصیده‌سرا

صندوق پستی: ۵۸۱۷ - ۱۵۸۷۵
تلفاکس: ۸۸۷۲۳۴۶ - ۸۸۷۱۶۳۹۱

تلفن جدید: ۷۷۵۲۰۳۵۲ - ۷۷۵۲۲۴۲۵
صندوق پستی: ۶۲۵۲ - ۱۵۸۷۵
پست الکترونیک: ghasidehsara@hotmail.com
فروش اینترنتی: itezab.com

کریستین، دوپیزان، ۹۱۳۶۴-۹۱۴۳۱م
شهر زنان / نوشته کریستین دوپیزان؛ ترجمه نوشتین شاهنده —
تهران: قصیده‌سرا؛ روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۴۸۸ ص: مصور.

ISBN: 964-8618-26-7: ۴۸۰۰ ریال

Le livre de la cite des domes = The book of
the city of ladies. 1982. عنوان اصلی:

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فرانسه — از آغاز تا ۱۵۰۰ م. ۲. زنان — تاریخ
— متون قدیمی تا ۱۵۰۰ م. ۳. زنان — راه و رسم زندگی — متون
قدیمی تا ۱۵۰۰ م. ۴. فمینیسم — متون قدیمی تا ۱۵۰۰ م. الف.
شاهنده، نوشتین، مترجم.

۸۴۳/۲

۹۳۸۸/گ۳۳۳

۱۳۸۵

۴۰۰۳۳-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

درآمد	۱۵
پیشگفتار	۲۵
مقدمه	۳۳

بخش اول

۱. آغاز کتاب شهر بانوان و فصل اول آن که روایت می‌کند چرا و به چه منظوری این کتاب نوشته شد ۸۵
۲. روایت کریستین از چگونگی ظهور سه بانو بر او و سخن گفتن بانویی که پیشاپیش دیگران بود و کریستین را از رنج و ناراحتی‌اش رها کند ۸۹
۳. روایت کریستین از اینکه چگونه بانویی که با او سخن گفت خود را معرفی کرد و صفت ممتاز و مأموریتش را گفت و نیز اینکه چگونه کریستین می‌تواند شهری را به کمک این سه بانو بنا کند ۹۲
۴. شرح و توضیح آن بانو درباره شهری که کریستین متعهد به ساختن آن شده و اینکه بانو خود چگونه عهده‌دار کمک به کریستین برای ساختن دیوارها و حصارها است و سپس گفتن نامش به کریستین ۹۶
۵. روایت کریستین از اینکه چگونه دومین بانو نام و مأموریتش را به او گفت و اینکه چگونه در ساختن شهر بانوان کمک خواهد کرد ۹۸

۶. روایت کریستین از اینکه چگونه سومین بانو به او نام و وظیفه‌اش را و چگونگی ساختن سقفهای بلند برجها و قصرها را گفت و اینکه برای شهر او ملکه‌ای می‌آورد که با حضور بانوان نجیب و شریفی مشایعت می‌شود..... ۹۹
۷. روایت کریستین از چگونگی سخن گفتنش با آن سه بانو..... ۱۰۱
۸. روایت کریستین از آغاز به حفر زمین و پی‌ریزی ساختمان تحت فرمان و همراهی بانوی خرد..... ۱۰۳
۹. روایت کریستین از چگونگی حفر زمین با استفاده از دریافتش از پرسشهایی که از بانوی خرد کرده بود، و پاسخ بانوی خرد به او..... ۱۱۰
۱۰. استدلالها و پاسخهای بیشتری درباره همان موضوع..... ۱۱۶
۱۱. پرسش کریستین از بانوی خرد که چرا زنان در جایگاه وکلای حقوقی نیستند؛ و پاسخ بانو..... ۱۲۴
۱۲. روایت بانوی خرد از نیکولا، ملکهٔ ایتوبی..... ۱۲۶
۱۳. روایت بانوی خرد از فردگوند، ملکهٔ فرانسه و نیز از چندین ملکه و شاهزادهٔ فرانسوی دیگر..... ۱۲۷
۱۴. بحث و گفتگوی بیشتر میان کریستین و بانوی خرد..... ۱۳۲
۱۵. روایت بانوی خرد از ملکه سمیرامیس..... ۱۳۵
۱۶. دربارهٔ زنان سلحشور (آمازون‌ها)..... ۱۳۸
۱۷. دربارهٔ تامیریس، ملکهٔ آمازون..... ۱۴۰
۱۸. چگونه هرکول نیرومند و همراهش تسئوس با ارتش و ناوگانی عظیم از یونان به سوی آمازون‌ها رفتند، و چگونه دو درشیزه به نامهای منالپ و هیپولیتا آنها را همراه با اسبها و سایر وسایلشان کوفتند و بر روی هم انباشتند..... ۱۴۳
۱۹. دربارهٔ ملکه پتزیلتا و اینکه چگونه به کمک شهر تروا رفت..... ۱۴۸
۲۰. روایت بانوی خرد از زنوبیا ملکهٔ پالمیرنس..... ۱۵۴
۲۱. دربارهٔ ملکه آرتیمیای نجیب‌زاده..... ۱۵۹
۲۲. بانوی خرد با کریستین از لیلیا مادر نئودوریک، شوالیهٔ شجاع، سخن می‌گوید..... ۱۶۳

۲۳. بانوی خرد باز دیگر از ملکه فردگوند سخن می‌گوید..... ۱۶۵
۲۴. روایت بانوی خرد از کامیلای باکره..... ۱۶۷
۲۵. روایت بانوی خرد از برنيس، ملکه کاپادوکیه..... ۱۶۸
۲۶. بانوی خرد از شجاعت کلونلیا سخن می‌گوید..... ۱۶۹
۲۷. پرسش کریستین از بانوی خرد که آیا خداوند نمی‌خواسته است تا
ذهن زن را با غرور و بلندی علوم شریف گرداند؛ و پاسخ بانو..... ۱۷۰
۲۸. بانوی خرد شروع به بحث دربارهٔ چندین بانویی می‌کند که معرفت و
دانش بسیاری را آموختند، و ابتدا دربارهٔ دوشیزه نجیب‌زاده کورنیفسیا
سخن می‌گوید..... ۱۷۲
۲۹. روایت بانوی خرد از پروبای رومی..... ۱۷۴
۳۰. روایت بانوی خرد از سافو، زنی بسیار هوشمند، شاعر و فیلسوف..... ۱۷۶
۳۱. روایت بانوی خرد از دوشیزه مانتو..... ۱۷۸
۳۲. روایت بانوی خرد از مدنا و ملکه دیگری به نام سیرسه..... ۱۸۰
۳۳. پرسش کریستین از بانوی خرد، اینکه آیا تاکنون زنی وجود داشته
است که دانشی ناشناخته را کشف کرده باشد..... ۱۸۱
۳۴. روایت بانوی خرد از میروا، کسی که بسیاری از علوم و فن ساختن
زره را از آهن و پولاد اختراع کرد..... ۱۸۵
۳۵. روایت بانوی خرد از ملکه سرس، کسی که صنعت زراعت و شخم
زمین و بسیاری فنون دیگر را کشف کرد..... ۱۸۹
۳۶. روایت بانوی خرد از ایزیس، کسی که هنر پلید آوردن باغها و
گیاه‌شناسی را کشف کرد..... ۱۹۰
۳۷. دربارهٔ خیر والایی که به یمن وجود این زنان به زمین تعلق گرفت..... ۱۹۱
۳۸. دربارهٔ همان موضوع..... ۱۹۳
۳۹. روایت بانوی خرد از دوشیزه آراکنه، کسی که هنر رنگرزی نخهای
پشمی و بافتن پارچه‌های نقش‌دار را با نخهای عالی برای لباسهای نفیس
ابداع کرد و نیز به فن زراعت گیاه کتان برای بافتن پارچهٔ کتان پی برد..... ۱۹۶
۴۰. روایت بانوی خرد از پامفیل، کسی که هنر به دست آوردن ابریشم از
کرما و رنگ کردن و پوشیدن لباسهای ابریشمی را ابداع کرد..... ۱۹۸

۴۱. روایت بانوی خرد از تاماریس، کسی که بزرگترین بانوی هنر نقاشی بود، و نیز از زن دیگری به نام ایرنه، و مارسایای رومی ۱۹۹
۴۲. روایت بانوی خرد از سمپرونیای رومی ۲۰۲
۴۳. پرسش کریستین از بانوی خرد که در کجا می‌توان تدبیر و دوراندیشی را در حساسیت و نازک‌طبعی زنان یافت؛ و پاسخ بانوی خرد به او ۲۰۳
۴۴. نامه سلیمان یا کتاب امثال ۲۰۷
۴۵. روایت بانوی خرد از گایا سیریل ۲۰۸
۴۶. روایت بانوی خرد از تدبیر و هوشیاری ملکه دیدو ۲۰۹
۴۷. روایت بانوی خرد از آپس، ملکه کرت ۲۱۶
۴۸. درباره لاونیا، دختر پادشاه لاتینوس ۲۱۷

بخش دوم

۱. درباره ده زن غیگو ۲۲۱
۲. روایت بانوی صداقت از اریثره غیگو ۲۲۴
۳. روایت بانوی صداقت از آلماتنای غیگو ۲۲۶
۴. درباره چندین زن غیگو ۲۲۸
۵. مطالبی بیشتر درباره نیکوستراتا، کاساندرا، و ملکه باسین ۲۳۲
۶. درباره آنتونیا که امپراتریس شد ۲۳۴
۷. کریستین با بانوی صداقت سخن می‌گوید ۲۳۷
۸. روایت بانوی صداقت از دخترانی که والدینشان را دوست می‌داشتند، و ابتدا درباره درپ‌تینا ۲۴۱
۹. روایت بانوی صداقت از هیپ‌سیپیل ۲۴۱
۱۰. درباره کلودین باکره ۲۴۳
۱۱. درباره زنی که به مادر زندانی‌اش از پستان خود شیر می‌دهد ۲۴۴
۱۲. اعلام بانوی صداقت مبنی بر پایان ساخت خانه‌های شهر و فرارسیدن هنگامه پر شدن شهر از جمعیت ۲۴۵

۱۳. پرسش کریستین از بانوی صداقت که آیا، بنا به گفته کتابها و مردان، این امر حقیقت دارد که تحمل زندگی زناشویی به دلیل وجود زنان و اشتباهاتی که ایشان مسبب آنند، بسیار دشوار است. بانوی صداقت پاسخ می‌دهد و شروع به صحبت درباره عشق وافر می‌کند که زنان به همسرانشان نشان داده‌اند..... ۲۲۷
۱۴. روایت بانوی صداقت از ملکه هیپ‌سیکراتنا..... ۲۵۱
۱۵. درباره امپراتریس تریارویا..... ۲۵۳
۱۶. مطالبی بیشتر درباره ملکه آرتمیسیا..... ۲۵۴
۱۷. روایت بانوی صداقت از آرجیا، دختر شاه آدرستوس..... ۲۵۷
۱۸. درباره بانو آگریپینای شریف..... ۲۶۰
۱۹. کریستین سخن می‌گوید و سپس بانوی صداقت به او پاسخ می‌دهد، در حالی که مثالهایی می‌زند و از بانو ژولای شریف، دختر ژولیوس سزار و همسر پومپی می‌گوید..... ۲۶۱
۲۰. درباره بانو ترتیا آمیلیای شریف..... ۲۶۳
۲۱. روایت بانوی صداقت از گزانتیپ همسر سقراط حکیم..... ۲۶۵
۲۲. درباره پومپیا پائولینا، همسر سنکا..... ۲۶۶
۲۳. درباره سولیشیای شریف..... ۲۶۷
۲۴. روایت بانوی صداقت درباره چند تن از بانوانی که همگی همسران خود را از مرگ نجات دادند..... ۲۶۹
۲۵. کریستین با بانوی صداقت علیه مردانی سخن می‌گوید که معتقدند زنان نمی‌دانند چگونه باید چیزی را پنهان سازند. پاسخی که بانوی صداقت داد مربوط به پورشیا دختر کاتو بود..... ۲۷۰
۲۶. بانوی صداقت درباره همان موضوع سخن می‌گوید و این بار راجع به بانو کوریا..... ۲۷۳
۲۷. مطالبی بیشتر درباره همان موضوع..... ۲۷۴
۲۸. تذکیر این ادعا که اگر مردی به نصیحت و اندرز همسرش باور داشته باشد یا بدان اعتبار بخشد، فردی خوار و حقیر است. کریستین سؤالاتی می‌پرسد و بانوی صداقت پاسخ می‌دهد..... ۲۷۵

۲۹. بانوی صداقت مثالهایی از مردانی می‌آورد که به دلیل باور داشتن همسرانشان با خوش‌اقبالی مورد لطف و رحمت قرار گرفتند ۲۷۸
۳۰. کریستین از فواید متعددی سخن می‌گوید که به یمن وجود زنان، هر روزه به این جهان تعلق گرفته یا می‌گیرد ۲۸۲
۳۱. دربارهٔ جودیت، بانو و بیوهٔ شریفی که به نجات مردمش شتافت ۲۸۴
۳۲. روایت بانوی صداقت از ملکه استر، کسی که جان مردانش را نجات داد ۲۸۶
۳۳. دربارهٔ بانوان سابقین که میان دوستان خود صلح و آشتی برقرار کردند ۲۸۹
۳۴. دربارهٔ بانو و توریای شریف که پسر خود را، هنگامی که قصد ویرانی روم را داشت، آرام ساخت ۲۹۲
۳۵. روایت بانوی صداقت از کلوتیلدا ملکهٔ فرانسه، کسی که همسرش شاه کلویس را به ایمان و دینداری بازگرداند ۲۹۴
۳۶. علیه مردانی که مدعی‌اند تحصیل علم و دانش برای زنان پسندیده نیست ۲۹۷
۳۷. در اینجا کریستین با بانوی صداقت علیه مردانی گفتگو می‌کند که می‌گویند زنان عقیف و پاکدامن انگشت‌شمار و اندک‌اند، و بانوی صداقت از سوزانا می‌گوید ۳۰۰
۳۸. روایت بانوی صداقت از سارا ۳۰۲
۳۹. روایت بانوی صداقت از ریکا ۳۰۳
۴۰. روایت بانوی صداقت از روت ۳۰۳
۴۱. دربارهٔ پتلوپ، همسر اولیسیس ۳۰۴
۴۲. در اینجا بانوی صداقت علیه مردانی بحث می‌کند که معتقدند شمار زنان پاکدامن زیبا اندک است، و از ماریانس سخن می‌گوید ۳۰۵
۴۳. مطالبی بیشتر دربارهٔ همان موضوع؛ بانوی صداقت از آنتونیا همسر دروسوس تیریوس سخن می‌گوید ۳۰۶
۴۴. تکذیب ادعای مردانی که می‌گویند زنان خود می‌خواهند مورد تجاوز قرار گیرند، بانوی صداقت نمونه‌هایی چند می‌آورد و اول از همه از لوکرشیا می‌گوید ۳۰۸

۴۵. بانوی صداقت درباره همان موضوع از ملکه گالاتیایی‌ها سخن می‌گوید ۳۱۱
۴۶. مطالبی بیشتر درباره همان موضوع؛ بانوی صداقت از زنان سیکامیریایی و چندین باکره سخن می‌گوید ۳۱۲
۴۷. تکذیب بی‌ثباتی و تلون مزاج زنان. کریستین در این باره سخن می‌گوید و سپس بانوی صداقت با در نظر گرفتن عدم ثبات و نابکاری برخی از امپراتوران به او پاسخ می‌دهد ۳۱۴
۴۸. روایت بانوی صداقت از نرون ۳۱۷
۴۹. درباره امپراتور گالبا و دیگران ۳۱۹
۵۰. روایت بانوی صداقت از گریسلدا، همسر مارکیز سالوسس، زنی توانا در فضیلت و تقوا ۳۲۳
۵۱. روایت بانوی صداقت از فلورنس رومی ۳۳۱
۵۲. درباره همسر برنابوی جنوایی ۳۳۴
۵۳. بانوی صداقت اسامی زنان ثابت‌قدم و وفادار را برمی‌شمارد، کریستین از او می‌پرسد چرا همه زنان شجاع و دلیری که تاکنون زیسته‌اند موضوع کتابها نبوده‌اند و چرا مردانی هم که از ایشان سخن می‌گویند به‌زشتی از آنان یاد می‌کنند؛ و پاسخ بانوی صداقت ۳۴۲
۵۴. کریستین از بانوی صداقت می‌پرسد آیا آنچه بسیاری از مردان می‌گویند حقیقت دارد که زنان وفادار در عشق انگشت‌شمارند؛ و پاسخ بانوی صداقت ۳۴۵
۵۵. درباره دیدو، ملکه کارتاژ و عشق پایدار در زنان ۳۴۸
۵۶. درباره مدنای عاشق ۳۴۹
۵۷. درباره تیسبه ۳۵۱
۵۸. روایت بانوی صداقت از هرو ۳۵۳
۵۹. درباره گیسموند، دختر شاهزاده سالرنو ۳۵۵
۶۰. روایت بانوی صداقت از لیزابتا و دیگر دلدادگان ۳۶۴
۶۱. روایت بانوی صداقت از جونو و چندین بانوی صاحب‌نام ۳۶۸
۶۲. در اینجا کریستین سخن می‌گوید، و بانوی صداقت به آن دسته از

- مردانی پاسخ می‌دهد که ادعا می‌کنند زنان مردان را با عشوه‌گری خود
جذب می‌کنند. ۳۷۱
۶۳. درباره کلودیا کوینتا، زنی رومی. ۳۷۲
۶۴. بانوی صداقت می‌گوید زنان فضیلت‌مند در مقایسه با زنانی که فقط
زیبایی دارند، محبوب‌ترند و بیشتر مورد علاقه. ۳۷۴
۶۵. روایت بانوی صداقت از ملکه بلانش، مادر سن لویی، و دیگر بانوان
شایسته و خردمندی که به دلیل فضیلت‌شان محبوب واقع شدند. ۳۷۵
۶۶. کریستین سخن می‌گوید و بانوی صداقت در پاسخ‌هایش به آن دسته
از مردانی جواب می‌دهد که مدعی‌اند زنان به‌طور ذاتی و طبیعی طماع و
حریصند. ۳۷۷
۶۷. روایت بانوی صداقت از بانوی ثروتمند و بخشنده‌ای به نام بوزا. ۳۸۰
۶۸. بانوی صداقت در اینجا از شاهزادگان و بانوان فرانسوی سخن
می‌گوید. ۳۸۲
۶۹. سخن کریستین خطاب به شاهزاده‌خانمها و تمامی زنان. ۳۸۵

بخش سوم

۱. چگونه بانوی عدالت ملکه آسمانی را برای زندگی در شهر بانوان
راهنمایی کرد. ۳۸۷
۲. درباره خواهران بانوی ما و مری مگدالین (مریم مجدلنه). ۳۹۰
۳. درباره قدیسه کاترین اهل اسکندریه. ۳۹۰
۴. درباره قدیسه مارگارت. ۳۹۴
۵. روایت بانوی عدالت از قدیسه لوسی. ۳۹۶
۶. روایت بانوی عدالت از دوشیزه مارتینای مقدس. ۳۹۸
۷. روایت بانوی عدالت از قدیسه لوسی باکره و دیگر قدیسه‌های باکره
شهید. ۴۰۲
۸. روایت بانوی عدالت از قدیسه جاستین و دیگر باکره‌ها. ۴۰۴
۹. روایت بانوی عدالت از تئودوزینای باکره، قدیسه باربارا و قدیسه
دوروتی. ۴۰۸

۱۰. روایت بانوی عدالت از قدیسه کریستین باکره ۴۱۲
۱۱. دربارهٔ چندین زن پاک که شاهد به شهادت رسیدن فرزندانشان در
پیش چشمان خود بودند ۴۲۱
۱۲. روایت بانوی عدالت از قدیسه مارینای باکره ۴۲۳
۱۳. روایت بانوی عدالت از آفرزینای باکره ۴۲۶
۱۴. دربارهٔ بانو آناسازیای مقدس ۴۲۹
۱۵. دربارهٔ تنودیتای مقدس ۴۳۳
۱۶. دربارهٔ ناتالیای نجیب و پاک ۴۳۵
۱۷. دربارهٔ قدیسه آفرا، زنی جاهل و فاسد که تغییر مرام داد ۴۳۷
۱۸. بانوی عدالت دربارهٔ زنان نجیب و شریفی سخن می‌گوید که به حواریون
و قدیسان بسیاری خدمت کردند و منزل و مأوا دادند ۴۳۹
۱۹. پایان کتاب: خطابهٔ کریستین برای بانوان ۴۴۲
- یادداشت‌هایی بر متن ۴۴۷
- فهرست اسامی ۴۶۹

درآمد

در حالی که زنان امروزی هنوز هم سعی در تغییر دادن و به چالش کشاندن کلیشه‌های جنسیتی‌ای دارند که تاکنون به طور سنتی از آنان ترسیم شده است، کریستین دو پیزان در حدود ۶۰۰ سال پیش برای اولین بار به چنین اقدام متهورانه‌ای دست زد. شهر زنان یا در اصل کتاب شهر بانوان اولین اثری است که به همت یک زن و در دفاع و ستایش از زنان نوشته شده است. کریستین دو پیزان در این کتاب باورهای خود را از چشم‌انداز و منظری زنانه بیان می‌کند و به زن‌ستیزی مردان می‌تازد. این اثر را بی‌شک می‌توان اولین کار فمینیستی — به اصطلاح امروزی — در تاریخ زنان دانست.

کریستین دو پیزان در سال ۱۳۶۵ م. در ونیز ایتالیا به دنیا آمد. پدر و پدربزرگش هر دو از صاحب‌منصبان شهر ونیز بودند که از دانشگاه بولونیا^۱ فارغ‌التحصیل شدند. این دو بی‌شک فرانسیسکو پترارک^۲ (۱۳۰۴-۱۳۷۴ م.) و احتمالاً جووانی بوکاچیو^۳ (۱۳۱۳-۱۳۷۵ م.) را می‌شناختند:

۱. Bologna: شهری در ایتالیا

2. Francesco Petrarca (Petrarch)

3. Giovanni Boccaccio

کسانی که کریستین بسیار متأثر و ملهم از آنان بود. پدر کریستین ستاره‌شناس و پزشک تقریباً سرشناسی بود. او در زمان شارل پنجم^۱ به دربار فرانسه دعوت شد و کریستین نیز به‌عنوان یکی از اطرافیان پادشاه در دربار او رشد کرد و تربیت شد. کریستین در دوران خردسالی علاقه و استعداد خود را در مسائل فکری و عقلانی نشان داد و پدرش این استعداد او را تشخیص داد و تشویق کرد. پدر کریستین برای اولین بار طعم و لذت واقعی مطالعه و کسب دانش را به او چشاند و احتمالاً همراه با دو پسر دیگرش، تا هنگام ازدواج کریستین، او را از آموزشی خوب و بنیادین برخوردار ساخت. نظرات پدر کریستین دربارهٔ تحصیل زنان در آن روزگار باید نظرات بسیار لیبرال و آزاداندیشانه‌ای بوده باشد، او به‌راستی بر این باور بود که زنان نیز استعداد یادگیری علم و دانش را دارند؛ برخلاف مادر کریستین که این حرفها را قبول نداشت و معتقد بود که دخترش باید به کارهایی چون دوخت و دوز مشغول باشد که به زنان و دختران مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد که مادر کریستین در نهایت پیروز می‌شود، زیرا خود کریستین در این باره توضیح می‌دهد به سبب حکمت و فرزانه‌گی پدرش بود که توانست همین خرده‌ریزهای علم و دانش را به‌دست آورد. کریستین در ۱۵ سالگی با منشی دربار شاه که جوانی ۲۵ ساله بود، ازدواج کرد. او ازدواج بسیار موفقی را - به‌رغم کوتاهی آن - داشت. همسر او نیز مرد روشنفکری بود که او را به فراگیری بیشتر علم و دانش تشویق می‌کرد و کریستین پس از مرگ همسرش که فقط ده سال بعد اتفاق افتاد، از سخن گفتن با عشق و مهربانی و احساسات فراوان دربارهٔ او هرگز دست نکشید. وقتی در ۲۵ سالگی بیوه شد، سه فرزند داشت: دو پسر و یک دختر که باید از آنها نگهداری و حمایت می‌کرد. علاوه بر این، مادرش را هم که دو سال پیش از این به دلیل فوت پدرش بیوه شده بود،

باید تحت پوشش خود قرار می‌داد. کریستین پس از مرگ پدر و همسرش با مشکلات مالی فراوانی روبه‌رو شد و از این‌رو، به پیشه ادبی و نویسندگی روی آورد تا از این طریق بتواند گذران زندگی کند. او در نهایت از طریق مطالعه و سپس نوشتن به سرپرستی و قیمومت فرزنداناش توفیق یافت. کریستین در سال ۱۳۹۴ م. شروع به نوشتن کرد. او در ابتدا اشعاری را در ستایش از شاهان و درباریان می‌سرود و از این طریق امرار معاش می‌کرد. او شاعر درباری موفق بود. اما در سال ۱۳۹۹ م.، یعنی ده سال پس از مرگ همسرش و در ۳۵ سالگی، زندگی ادبی واقعی خود را آغاز کرد آنچنان که تا صدسال پس از او صدای هیچ زن دیگری به گوش نرسید.

کریستین در نوشته‌هایش بسیار تحت تأثیر اومانیسم اولیه‌ای بود که در حال شکل گرفتن در ایتالیا و به‌دست کسانی چون دانته^۱ (۱۳۲۱-۱۲۶۵ م.)، پترارک و بوکاچیو بود. همین علایق اومانیستی به برنامه «خودآموزی» او در طول دوران بیوگی زودرس کمک کرد، و البته تأثیر پدر و کتابهایی را که در آن زمان برای کریستین به ارث گذاشت، نباید از نظر دور داشت. دلبستگی کریستین به آموختن و فراگیری علم و دانش و علاقه‌اش به امور حکومت و کشورداری نیز تحت تأثیر اومانیستهای نخستین بود. از همین جا است که دو موضوع «آموزش و پرورش»، به خصوص برای زنان و جوانان، و نیز «سیاست» تبدیل به محوری‌ترین و اساسی‌ترین مباحث آثار و نوشته‌های او شد. همچنان که می‌دانیم، کتابها و رساله‌های او نیز در باب دو موضوع عمده است: زنان و سیاست. آثار او به دلیل انتقال ادبیات ایتالیایی به محافل روشنفکرانه پارسی از توجه و اهمیت خاصی برخوردار است. بحث و گفتگوی کریستین با روشنفکران جوان پارسی و تأکید او بر تفوق و

۱. Dante Alighieri

برتری آثار دانته بر کتابهایی همچون *ماجرای عاشقانه رز*^۱ — که در آن زمان، اثری بسیار معروف و مشهور بود — به شهرت و اعتبار او منجر شد. درواقع، کریستین اولین کسی بود که دانته را به جامعه فرهنگی فرانسه معرفی کرد. افزون بر این، شاید بتوان گفت بیشترین ارتباطی را که کریستین با تفکر و ادبیات اومانیستی ایتالیا برقرار کرد، از طریق بوکاچیو و آثار او از جمله *درباره زنان مشهور*^۲ و *دکامرون*^۳ بود. کتاب *شهر بانوان کریستین* درواقع پاسخی است به کتاب *زنان مشهور بوکاچیو*. بوکاچیو با الهام از کتاب *زندگی مردان نامی*^۴ پترارک، *زنان مشهور* خود را به سبکی زندگینامه‌ای و درباره زنان نوشت. او ۱۰۶ شرح حال مختصر از زندگی زنان نوشت که هم زنان بافضیلت را دربرمی‌گرفت و هم زنان بدنام را. کریستین معتقد بود که این کتاب دیدگاههای مردسالارانه‌ای دارد که در آن با زنان و تواناییهای عقلانی و ویژگیهای اخلاقی‌شان غیرمنصفانه برخورد شده است. بوکاچیو در کتاب خود، زنان را به لحاظ اخلاقی بدنام و به لحاظ عقلانی کند معرفی می‌کند و فقط زمانی آنها را می‌ستاید که در خدمت مردانند. اگرچه تلخکامی و شکست بوکاچیو در عشق سبب شد تا او که پیش از این همیشه در ستایش از زنان و عشق می‌نوشت ناگهان نوشته‌هایش در این باره به زن‌ستیزی تلخ و گزنده‌ای تبدیل شود، بلوغ زود هنگام جسمانی او و محذورات اخلاقی و مذهبی‌اش نیز در این باره بی‌تأثیر نبود. به هر حال، بوکاچیو به همراه پترارک و دانته از اولین بنیانگذاران

۱. *The Romance of the Rose*: رمان عشقی بسیار معروفی در قرن سیزدهم. این کتاب توسط گیوم دو لوری (Guillaume de Lorris) در حدود سال ۱۲۲۵ م. آغاز شد و ژان دومون (John de Moung) پنجاه سال بعد یعنی در حدود ۱۲۷۵ م. آن را کامل کرد.

۲. *De Mulieribus claris* (Concerning Famous Women)

۳. *Decameron*

۴. *Lives of Famous Men*

اومانیسم در اروپا بودند. این مردان اساس رنسانس و نوزایی را شکل دادند و نه تنها با مطالعه و بررسی آثار کلاسیک به حکم و اصلاح و کشف دوباره متون باستانی پرداختند، بلکه برای پیشبرد ادبیاتی بر اساس زبانهای جدید — و نه فقط لاتین که زبان انحصاری آن دوره بود — معیارهایی را برای داشتن فرهنگی نو به دست دادند که یکی از این معیارها نوشتن با زبانی بومی و مادری بود. بدون این مردان، و به خصوص بوکاچیو، اوج گرفتن رنسانس ایتالیایی و عاقبت و سرانجام آن به لحاظ تاریخی قابل درک و فهم نبود. نوشتن به زبان مادری همان چیزی است که کریستین نیز در آثار و نوشته‌های خود به کار می‌بندد و شاید به جرأت بتوان گفت که کریستین دو پیزان نیز همراه با این مردان در شکوفایی عصر نوزایی و رنسانس سهیم است. او ادبیات جدیدی را به دنیا عرضه کرد که در آن عقل‌باوری و خردگرایی رنسانس به خوبی مشهود است. کریستین با الهام از شرح آکویناس بر متافیزیک ارسطو و به پیروی از او، از «خرد» به عنوان والاترین فضیلت عقلایی یاد می‌کرد و استفاده از این مفهوم را راه‌حلی برای مسائل و مشکلات جامعه عصر خود می‌دانست — همچنان‌که برای جوامع امروزی نیز چنین است.

کتاب شهر خدا^۱ ای آگوستین الهام‌بخش کریستین برای نامگذاری کتاب شهر بانوان شد. در این کتاب کریستین به فکر ساختن اتوپیا یا مدینه فاضله‌ای برای زنان و درواقع «بانوان» است. تکیه او بر لفظ «بانو» بیانگر این اندیشه است که شهر او شهری خواهد بود با جمعیتی از زنان نجیب، شریف و باایمان و منظور او از «بانو» تعریفی از زن است که اصالت او را در روح و ویژگیهای روحانی‌اش نشان می‌دهد و نه در تولدش. در این شهر هر زنی می‌تواند خود و تواناییهای زنانه‌اش را بی هیچ محدود مرزی کشف و ابراز کند. کریستین از تمامی زنانی که در گذشته، حال و آینده

1. *City of God*

حضور دارند دعوت می‌کند تا به شهر او بیایند؛ شهری که در آن درباره زنان نه براساس معیارهای مردان که مطابق با میزان استعداد و بارور ساختن اندیشه و تواناییهای روحی و اخلاقی خودشان قضاوت خواهد شد. کریستین برخلاف بوکاجیو فقط درباره زنان خوب می‌نویسد. کتاب شهر بانوان شکلی تمثیلی و روایتی دلنشین از گفتگویی است که میان کریستین و سه بانو یا الهه «خرد»، «صداقت» و «عدالت» صورت می‌گیرد. این سه بانو در رؤیایی — نه رؤیا که در کشف و شهودی — بر کریستین ظاهر می‌شوند و ساختن شهری آرمانی را برای زنان و به دست او اعلان می‌دارند. کریستین برگزیده شده تا با کمک این سه بانو شهری را بنا کند که در آن زنانی با فضیلت سکنا گیرند، زنانی که دارای فضایی چون خردمندی، مهربانی، تدبیر، وفاداری، شجاعت، پاکدامنی، صبوری، پایداری، هوشیاری و ذکاوتند. این سه بانو با آشکار ساختن بزرگی زنان در ساختن شهر به کریستین کمک می‌کنند. روش آنان اثبات اشتباه مردانی است که درباره زنان به گراف داد سخن سر داده‌اند و این کار را با به تصویر کشاندن تاریخ و نمایش خطاهای نویندگان مردی انجام می‌دهند که تا آن زمان علیه زنان نوشته بودند. فرایند ساختن شهر، تمهیدی ادبی است تا از طریق آن کریستین بتواند کل تاریخ زنان را به تصویر کشد. هر یک از این سه بانو برای او داستانها و روایاتی را از زندگی زنان بزرگی تعریف می‌کنند که یا شخصیهایی واقعی و تاریخی‌اند — چه در دوران باستان و چه در عصر خود کریستین — یا شخصیهایی نمادین و اسطوره‌ای، تا از این طریق فضایل زنانه را آشکار سازند. بانوی خرد، بانویی است که شهر زنان را پی می‌ریزد، دیوارها و حصارها توسط بانوی صداقت و سقفا و طاق‌ها به دست بانوی عدالت بنا می‌شود. تفکر سه گانه کریستین دو پیران که خود را در چهره این سه بانو نشان می‌دهد، نیز حاکی از تئلیشی است که در مسیحیت وجود دارد. کریستین زن مسیحی دینداری بود و در سه معماری خود به ترتیب به سه ویژگی انسانی، انسانی — خدایی، و الهی می‌پردازد.

کریستین پرسشهای بسیاری را مطرح می‌کند و این سه بانو هر یک به‌نوبه خود به او پاسخ می‌دهند. کریستین با بانوی خرد درباره زن‌ستیزی مردان و انگیزه‌های آنان برای این کار سخن می‌گوید. بانوی خرد اذعان می‌دارد که انگیزه مردان برای زن‌ستیزی — اگرچه گاه این زن‌ستیزی براساس دلایلی منطقی استوار بوده — اغلب ناکامی در عشق و تنفر شخصی مردان نسبت به زنان بوده است. او اثبات می‌کند که زنان بسیاری برای فرهنگ انسانی و جهانی ما ویژگیهای مهمی را به‌وجود آورده‌اند و با نام بردن از زنان مشهور بسیاری در حوزه‌های سیاسی، کشورداری، علوم مختلف، هنر و فلسفه، بنیان و شالوده شهر را پی‌ریزی می‌کند. کریستین با بانوی صداقت درباره ویژگیهای اخلاقی زنان سخن می‌گوید و این بانو نمونه‌های بسیاری از زنانی می‌آورد که دارای فضایل اخلاقی والایی همچون وفاداری، پاکدامنی و سخاوتند و با این مصالح خوب شروع به ساختن دیوارها و حصارهای شهر بانوان می‌کند. سرانجام بانوی عدالت با نام بردن از قدیسه‌ها و زنان شهیدی که در راه ایمان و اعتقادشان جان خود را از دست دادند، شهر را از جمعیت پر می‌کند و سقفها و بامهای خانه‌های شهر را می‌سازد. بدین ترتیب، بانوی عدالت پایان ساخت شهر را اعلام می‌دارد و کریستین در حالی که خود را به زنان بسیاری در تاریخ پیوند می‌زند، دختران، زنان و بیه‌زنان را مخاطب خود قرار می‌دهد و آنان را به آنچه شایسته و درخور ایشان است توصیه می‌کند و از دام نیرنگ مردان پرفریب برحذر می‌دارد.

کتاب شهر بانوان کریستین را شاید بتوان فلسفی‌ترین اثر او دانست، به جای اینکه آن را فقط همچون تاریخ کاملی از سرگذشت زنان مطالعه کرد. اگرچه عنوان این اثر شاید اندکی خیالی و آرمانی به‌نظر رسد، کریستین در این کتاب بنیانی دیالکتیکی بنا می‌نهد که به‌واسطه آن سعی در شناخت زنان و نقشهایی دارد که آنان می‌توانند به‌گونه‌ای

مثبت و تأییدکننده در جامعه خود عهده‌دار باشند. پرسش مهم فلسفی (پدیدارشناختی) او این است که ما چگونه می‌توانیم حقیقت هر چیزی را بشناسیم و درک کنیم؟ و چگونه می‌توان ذات چیزی را از گفته‌ها و اظهاراتی متمایز کرد که درباره آن چیز بیان می‌شود؟ درواقع، انگیزه کریستین برای چنین کاری این بود که نشان دهد تفاوت است میان آنچه زنان به‌راستی هستند و آنچه مردان درباره ایشان ادعا می‌کنند. کتاب *شهر بانوان*، گاهشماری از تاریخ زنان است که نشان می‌دهد چگونه زنان به طرزی ناعادلانه سرکوب شده‌اند. به نظر می‌رسد کریستین می‌خواست تمامی بی‌عدالتی‌هایی را بازگو کند که در حق زنان روا شده و آشکارا به تقبیح و رسوایی آنان پردازد. او سنخ‌شناسی گوناگونی را از زنان ارائه می‌دهد: زنان بیوه، مادران، دختران، زنان جوان و... و ساختارهایی هم که این زنان در آنها بحث می‌شوند، ساختارهایی متفاوت همچون جامعه، حکومت، ازدواج، خانواده و... است. کریستین زنان را تشویق می‌کند تا از حقیقت و درستی خود دفاع کنند. کتاب *شهر بانوان* مملو از داستانها و حکایات جالبی از اعصار گذشته تا زمانه خود کریستین است، داستانها و حکایت‌هایی که همگی درباره فضیلت‌مندی زنان است. به‌دلیل شخصیت جذاب خود کریستین که می‌بایست فردی باهوش، با تدبیر و بذله‌گو بوده باشد، در این روایتها با او همدل و همراه می‌شویم؛ گاه گفته‌های او به نظرمان کاملاً خنده‌دار می‌رسد و گاه به‌طرزی عجیب متأثر از رنج و اندوه، یا شجاعت و بردباری زنانه می‌شویم که داستان زندگی‌شان برایمان بازگو می‌شود. نمونه‌ها و مثالهایی که کریستین از زنان برای ما ارائه می‌دهد، آنچنان باشکوه و عالی است که می‌تواند در دنیای مدرن امروز مورد تأمل و حتی پیروی قرار گیرد. پس بیایید ما هم به ساخته کریستین احترام بگذاریم و ساختن شهری را که او تخیل کرد با

سازه‌های جدیدی که بر آن می‌افزاییم، یعنی با داستانهای خودمان، ادامه دهیم و کامل کنیم؛ و در حالی که خودمان، توانمندیهای عقلانی و روحی‌مان را از نو می‌سازیم، شهرهای جدیدی را نیز بنا کنیم که در آن ویژگی‌هایی نظیر خردمندی، وقار، وفاداری، مهربانی و خلاصه آنچه «عشق و حکمت زنانه» نام دارد تضمین شود.

نوشین شاهنده

اردیبهشت ۸۴

پیشگفتار

کریستین دو پیزان در یکی از جذابترین و جالبترین داستانهای این مجموعه درباره زندگی و سرگذشت زنان، شرح می‌دهد که چگونه نوولا^۱ دختر پروفیسور حقوقی در دانشگاه بولونیا، هنگامی که پدرش مشغله بسیار داشت، به جای او درس می‌داد و به دلیل اینکه زیبایی‌اش سبب پریشانی دانشجویان نشود، چهره خود را با پارچه‌ای می‌پوشاند. در گذشته زیبایی یکی از ویژگیهای مسلم زنان و تقریباً هم‌معنی با ترکیبی زنانه بود. همچنین این ویژگی امری خطرناک به حساب می‌آمد و از هنگامی که حوا [همچون تمثیلی از زن] معرفی شد، چهره و اندام برهنه زن آنچنان توانمند تصور می‌شد که حتی می‌توانست قویترین مردان را نیز از مردی بیندازد. پوشش نوولا فقط زیبایی او را پنهان نمی‌کرد، بلکه زنانگی او را نیز از نظر دور می‌داشت. شاید کریستین به درستی می‌خواست تا بنویسد که نوولا پرده‌ای بر ویژگیهای زنانه خود می‌کشید، درست همان‌طور که ویراستار کتاب کریستین درباره اخلاق نظامی، کتاب فتوحات ارتش و سلحشوری^۲ در

۱. Novella ؛ —: بخش دوم، روایت سی و ششم (۱۱۳۶).

2. *The Book of Feats of Arms and Chivalry*

سال ۱۴۴۸ م. تصمیم گرفت تا زن بودن کریستین را مخفی نگه دارد و متن کتاب را به گونه‌ای قنبر دهد که به نظر برسد این کتاب به قلم یک مرد نگاشته شده است. ویراستار این اثر سعی کرد تا برای از دست ندادن خوانندگانش این اقدام پیشگیرانه را انجام دهد. اثری درباره مدیریت جنگ که به دست یک زن نوشته شده، می‌توانست نشانه بی‌اعتباری آن باشد.

این درست همان جو متعصبانه حاکمی بود که الهام‌بخش کریستین دو پیزان برای نوشتن اثری جانبدارانه در دفاع از نوع زن شد. اکنون کتاب شهر بانوان که به زبان انگلیسی معاصر و قابل فهمی ترجمه شده و در دسترس عموم خوانندگان قرار گرفته است، بخشی از مبارزه پرشور کریستین را برای بازگرداندن ارزشمندی ویژگیهای زنانه خود در نزد معاصرانش نشان می‌دهد. اگرچه کتاب شهر بانوان بیش از پنج قرن پیش نوشته شده است، برای روزگار ما سرشار از ملاحظات و نظرات بسیار مؤثر و قانع‌کننده‌ای است. بحث و مجادله زنان (querelle des femmes) در اواخر قرون چهاردهم و پانزدهم در فرانسه استدلالهای خود را به همان روشی ترتیب داد که امروزه بحثهای ما درباره برابری زنان تبیین می‌شود. کریستین در کتاب شهر بانوان، اینجا و آنجا داستانهای خود را درباره زنان قهرمان و نیرومندی بازگو می‌کند که در گذشته زندگی می‌کردند، با اظهاراتی واقع‌بینانه درباره رفتارهای غیرمنصفانه‌ای که از طریق دیدگاهها و عقاید جامعه نسبت به آنان روا می‌شد. آهنگ صدای او تند و تیز نیست، بلکه صبور و شکیب است؛ اظهارها و تبیینهای او نافذ و قاطع است، او هرگز نمی‌نالد. او همچون پورشی^۱ مردان را از موضع خیرخواهانه برتری، به دلیل اجرا کردن نمایش مهمترین ویژگیهای اخلاقی زنان، از طریق انکار خشونت یا عجز و لابه ناشی از ضعف، محکوم می‌کند. کریستین دو پیزان در بارگاه شاهی دیده به جهان گشود و با طرز رفتارها و برخوردهای

۱. Pontia: نماد شفقت و رحمت؛ —: بخش دوم، روایت بیت و پنجم (H. 25).

موقرانه آشنا شد؛ تدابیر او در تاختن‌اش با گفتار و نوشتار نیز موقرانه است و وقار او همراه با صداقت و حتی صاف و ساده بودنش، تا حدی زیبایی زیرکانه و خشم او را پنهان می‌سازد.

تکرار موضوعاتی با طنینی امروزی، خشمی مهارشده را در او برمی‌انگیزاند. برای مثال، او بارها و بارها به عدم دستیابی زنان به آموزش و پرورش بازمی‌گردد. او از سر مهر پدر خود را به دلیل آموزش و پرورش ستایش می‌کند که به رغم مخالفت‌های مادر به او داد، و قاطعانه این امر را به میان می‌آورد که ذهن زنان «آزادتر» و هوشیارتر از ذهن مردان است. او به حال زنان دل‌شکسته هم‌عصر خود به دلیل به دنیا آوردن فرزندان دختر تأسف می‌خورد و این امر را به دلیل نیاز به فراهم ساختن جهیزیه برای دختران جوان می‌داند. امروزه هم، درحالی‌که دلایل اقتصادی و مالی کمتری در این باره وجود دارد، شادباش تولد نوزاد دختر اغلب با اشتیاق کمتری از سوی پدریزرگها و مادریزرگها همراه است. هنوز هم توحشی که در طی سالیان بسیار که مسیحیت ما را از آن جدا ساخته است، در صفحات کتاب او به چشم می‌خورد؛ این تهمت که زنان خود، مردان را به زنا فرا می‌خوانند. کریستین همراه با خشم بسیار و احساس تأسف، زنان را از این بدنامی تبرئه می‌کند و بحث خود را با پذیرش بالاترین مجازاتها برای زناکاران به پایان می‌برد. او همچنین در جایی دیگر، درحالی‌که متأثر از چیزی است که به نظر برداشتی شخصی می‌آید، از این امر دفاع می‌کند که زنان می‌توانند آراسته باشند و از پوشیدن لباسهای زیبا لذت ببرند بی‌آنکه مقام خود را در پاکدامنی و نجابت از دست دهند. خشم کریستین امروز نیز آوایی بلند و آشکار دارد. خشم علیه قوانین سختگیرانه و تبعیض‌آمیزی که مردان علیه زنان وضع می‌کنند؛ مردانی که با زنان زنا می‌کنند و سپس ایشان را به همین دلیل سرزنش. او همچنین تصویری ویرانگر و تغییرناپذیر را از خشونت در ازدواج و از شوهران مست، مهاجم و ولخرج ترسیم کرد.

کتاب شهر بانوان از سنت قرون وسطایی پسندیده‌ای بهره می‌برد، از گفتگوی نویسنده با صورتهایی مجازی و تمثیلی. در این کتاب، کریستین با شخصیتهایی با نام خرد و عدالت سخن می‌گوید، شخصیتهایی آشنا در پیکرتراشی همچنان که در خداشناسی، اما او دوشیزه تمثیلی خود را نیز خلق می‌کند: صداقت، باکره‌ای «نیک‌اندیش» و «راست‌کرده». معرفی این شخصیت توسط کریستین در مراسمی باشکوه از فضایل زنانه، معارف انسانی، برکات آسمانی و دیگر شخصیت‌پردازیهایی انجام می‌شود که در روش کار کلیساهای جامع برای پیکرتراشی به کار می‌رود؛ این امر ذوق و استعداد ذهنی و عاطفی کریستین را آشکار می‌سازد. در کتابی همچون شهر بانوان، کریستین دو پیران خود را همچون یک معلم اخلاق نشان می‌دهد تا یک شاعر؛ او می‌نویسد تا به ما بیاموزاند، افکارمان را شکل دهد و از این رو ما را به سوی نیک‌اندیشی و راست‌کرداری متمایل سازد. هنگامی که او از تعلیم و تربیت برای زنان حمایت می‌کند، دلیل رفتار نیکو و پسندیده را در ارتباطی نزدیک با آموزش و پرورش می‌داند.

شاید خواننده معاصر با سنت قرون وسطایی تمثیل، ناآشنا باشد. با این حال، ظهور خرد، صداقت و عدالت در قالب یک زن، تمامی هدف کتاب شهر بانوان کریستین را بازمی‌تاباند: به یاد آوردن زندگی و کارهای زنان بافضیلتی که چنین ویژگیهایی را تجسم بخشیدند، ویژگیهایی که تاریخ از آنها غافل مانده و به دست فراموشی سپرده است. او گفتار را به بخش خاموشی از گذشته بازمی‌گرداند — یکی از اصلی‌ترین وظایف تمامی تاریخ‌نویسان. کتاب شهر بانوان همچون ملاقاتی با دنیای مردگان است، کسانی که حقوق [از دست رفته] خودشان را یادآور می‌شوند. کریستین با ترسیم خوانش خود از منابع کلاسیک و رنسانس، آنها را بر اندوخته دانش ما نیز می‌افزاید و قالبهای محدود کلیشه‌های زنانه را درهم می‌شکند. کریستین برای رسیدن به

حمایت از زنان، مواد منابع خود را به روشی بسیار جالب تغییر می‌دهد، روشی که گاه نیروبخش و باطراوت و گاه عجیب و خیالی است. کریستین، مدنا^۱ را به دلیل مهارتی که در پرورش گیاه داشت و نیز تسلطی که بر آب و هوا و باد و باران، می‌ستاید — نمونه‌ای جالب و توجیه‌پذیر دربارهٔ بازارزشگذاری مهارت زنان ساحره از دیدگاهی مثبت. از این رو، او هویت تاریخی را از ترس بی‌خبری، از قید تمام تعصبات می‌رهاند. اما سپس، هنگامی که مدنا دوباره در میان داستانهای کریستین دربارهٔ وفاداری زنان در عشق ظاهر می‌شود، کمی عجیب به نظر می‌رسد که داستان او بی‌هیچ توجهی به ابعاد جنون‌آمیز ناامیدی مدنا بازگو می‌شود، بی‌آنکه به قتل فرزندانش اشاره‌ای شود. در واقع کریستین اولین و عمده‌ترین نمونهٔ رفتار غیرمنصفانه را با زنی توضیح می‌دهد که پس از اینکه همسرش جیسون^۲ او را ترک گفت، تنها به «حزن و دل‌سردی» روی آورد. ^۳ همچنین گزانتیپ^۴، زن مشهور و بداخلاق سقراط است که در صفحات کتاب کریستین همچون همسری باوفا، فداکار و خردمند ظاهر می‌شود. ^۵ آزمون کریستین نیز الهام‌بخش او در تغییر داستان مشهور «نیکوکاری رومی» می‌شود. پیرمرد در حال مرگی که از پستان یک زن جوان شیر می‌نوشد به یک پیرزن تغییر داده می‌شود، تازه آن هم به عنوان مادر آن زن جوان. ^۶ ترمیم و تصحیح آرا و قضاوت‌های تاریخی به دست کریستین می‌تواند اقدامی متهورانه و کاری تازه باشد (هرچند هرگز به فکرم خطور نکرد گزانتیپ زن بدنامی

۱. Medea : — بخش اول، روایت سی و دوم (۱.۳۲).

2. Jason

۳. — بخش دوم؛ روایت پنجاه و ششم (۱۱.۵۶).

4. Xanthippe

۵. — بخش دوم، روایت بیست و یکم (۱۱.۲۱).

۶. — بخش دوم، روایت یازدهم (۱۱.۱۱).

بوده باشد)، اما گاه ابداع برخی تصاویر نو و فضیلت‌مندانه به سمت کلیشه‌سازی منحرف می‌شود. در اینجا کریستین هنگامی که از حقیقت و احساس شخصی خویش می‌نویسد، در اوج توانایی خود داستان‌گویی است که ملامت‌هایش از درون تجربه‌ای زنده برمی‌خیزد و زخم می‌زند.

به نظر نمی‌رسد کریستین بین سطوح و درجات واقعیت تمایزی قائل شود، قلم او است که تسخیر می‌کند؛ این تلفیقی از درسهای زندگی خود او است، بی‌آنکه با مثالهای زنان قهرمان، افسانه‌ای و تاریخی در آن گسستی ایجاد شود. خواندن کتاب *شهر بانوان* انسان را گرفتار حیلۀ عجیبی در درک و استنباط مطالب می‌کند، چرا که حلقه‌ای که دربرگیرنده کریستین، مدوزا^۱، الهه آپس^۲ و ملکه بلانش^۳ است، یکی و همان است بی‌هیچ تفاوتی در درجات، اعتبار یا حتی مقیاس زمانی. کریستین دارد به ما می‌گوید که تجربه انسانی امری کلی و جهانی است، پس از این نیز او هیچ محدودیتی برای آن قائل نیست. اما دریافتن این موضوع جالب است — و فریبده — که اورانوس^۴ قوی‌ترین مرد یونان بود و با زنی با نام وستا^۵ ازدواج کرد، و اینکه مینروا^۶ در اندیشه کریستین تبدیل به مبدع تاریخی تندنویسی، علم حسابگری، بافتدگی و ریسندگی شد و زارع زیتون و سازنده زره آهنی، و فقط قهرمان داستانی در اسطوره‌های غیردینی و قدیمی نبود یا الهه محافظ و نماد مهارتها و هنرهای خاص. کریستین زن مسیحی دینداری بود که مینروا را همچون یکی از اسلاف خود در خرد و صنعت می‌داند؛ در نیایشی که کریستین کتاب *فتوحات ارثش و سلحشوری خود* را با آن به پایان می‌برد،

۱. Medusa: — بخش دوم، روایت شصت و یکم (۱۱.۶۱).
۲. Goddess Ops: — بخش اول، روایت چهل و هفتم (۱.۴۷).
۳. Queen Blanche: — بخش دوم، روایت شصت و پنجم (۱۱.۶۵).
۴. Uranus: — بخش اول، روایت چهل و هفتم (۱.۴۷).
۵. Vesta: — بخش اول، روایت چهل و هفتم (۱.۴۷).
۶. Minerva: دختر خدای خدایان و الهه خرد در اسطوره‌شناسی روم؛ همان آتنه یا آتنا در اسطوره‌شناسی یونان؛ نیز — بخش اول، روایت سی و چهارم (۱.۳۴).

از مینروا می‌خواهد تا او را به تعهد و وظیفه‌اش رهنمون شود، چرا که مینروا نیز چون خود او «زنی ایتالیایی» است. برای کریستین دو پیزان قرن‌هایی که از ایتالیا گذشته بود — که خود بخشی از یونان بزرگ^۱ بود — در یک چشم برهم زدن سپری شده بود؛ مینروا الهام‌بخش او بود، هم‌پیمان و هم‌وطنش.

کتاب *شهر بانوان* تلاش مصمم و هوشیارانه زنی را نشان می‌دهد که شالوده تعصبات هم‌عصران خویش را درهم می‌ریزد؛ مواجهه‌ای محتاطانه اما خشمناک — یورش‌هایی علیه طعمه شدن به دست مردان. کریستین میانه‌رو نبود؛ او عمیقاً به تفاوت جنسی باور داشت، و در این کتاب و دیگر آثارش، ماهیت و دلایل خصوصیت جنسی را مشخص کرد. او همیشه نسبت به بی‌عدالتی حساس بود. با این حال کریستین که تصمیم گرفت تا آخر عمر بیوه بماند، به طرزی تحسین‌انگیز ذهنی باز و فکری روشن را نشان داد هنگامی که به زنان دیگر توصیه می‌کرد که چندان هم به دنبال استقلال نباشند (اگرچه آوای کلامش برای گوشه‌های ما نامأنوس و مبهم است)، زیرا معمولاً اخلاق‌گرایان مردم را به تعالی و عظمتی حکم می‌کنند که خود قادر به رسیدن بدان نیستند. اما کریستین به امکان آشتی و توافق باور داشت: این کاملاً موضوعی درباره تعلیم و تربیت درست بود که به سوی روشنگری اخلاقی رهنمون می‌شد. بدین ترتیب، کتاب *شهر بانوان* اثری خوش‌بینانه است، یعنی هنوز هم به هیچ وجه توسط رویدادها و حوادث کلی و واقعی توجیه‌پذیر نیست و تأیید نمی‌شود. وظیفه‌ای که کریستین دو پیزان خود را وقف آن کرد، هنوز هم در حال انجام است.

مارینا وارنر^۲

لندن ۱۹۸۲

1. Magna Graecia

2. Marina Warner